



Iranian Scientific Association
of Public Administration

Governance and Development Journal

Online ISSN: 2783-3461

Homepage: www.jipaa.ir



University of
Sistan and Baluchestan

Diagnosing and Prioritizing the Challenges of the implementing the Privatization Policy With an emphasise on the General Policies of Article 44 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran

Amin Farhadi¹ Davoud Hosseinpour² | Ali Hajivandi³

1. PhD. Candidate, Department of Public Adminstration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (Corresponding author), E-mail: dr.aminfarhadi@gmail.com.
2. Associate Professor, Department of Public Adminstration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, E-mail: Hosseinpour@atu.ac.ir
3. PhD. Candidate, Department of Public Adminstration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran, E-mail: hajivandali61@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 12 May 2021

Accepted: 21 September 2021

ABSTRACT

Keywords:

Evaluation of public policy,

Diagnosing the implementation of public policy, Privatization, General policies of article 44

The purpose of the present study is to diagnose and prioritize the challenges of implementing the public privatization policy with an emphasis on the general policies of Article 44 of the Constitution. The assessment approach pertaining to this research is a managerial approach and the used policy assessment model is a combination of goal-oriented and expert-oriented models. The evaluation criterion is also the latest report of the Islamic Consultative Assembly on the extent to which the privatization goals have been achieved in the country. In this study, in order to diagnose and identify the effective components in not realizing the implementation of the policy, the Delphi method has been used, which finally uses the opinions of 18 experts with experience in the field of analysis and evaluation of public policies and components extracted from the theoretical fundamentals. Theoretical research as well as the components proposed by experts, eight main components including nominal and unrealistic increase of the share of private and cooperative sectors in the national economy, neglect of the policy of increasing competitiveness in the national economy, failure to improve the efficiency of enterprises, productivity of material, human and technological resources. at the expected level., setbacks and decline of national economic growth, lack of proper expansion of ownership at the grassroots level to ensure social justice, apparent reduction of government financial and managerial burden on economic activities and increasing bureaucracy, savings decline, investment and the income level of the majority of the population and not increasing or even decreasing the general level of real employment and 52 indicators in the field of problems and challenges of implementing the privatization policy in the country were identified and the importance of each component was determined.

Cite this article: Hosseinpour, D., Hajivand, A., & Farhadi, A. (2021). Diagnosing and Prioritizing the Challenges of the implementing the Privatization Policy With an emphasise on the General Policies of Article 44 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. *Governance and Development Journal*, 1 (3), 129-168.



Publisher: Iranian Scientific Association of Public Administration & University of Sistan and Baluchestan



دانشگاه سیستان و بلوچستان

حکمرانی و توسعه

پلاکات شماره: ۳۴۶۱-۲۷۸۳

Homepage: www.jipaa.ir



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری های انسانی

عارضه‌یابی و اولویت‌بندی چالش‌های اجرای خطمنشی خصوصی‌سازی با تأکید بر سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

امین فرهادی^۱ | داود حسین پور^۲ | علی حاجی وند^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)،

رایانامه: dr.aminfarhadi@gmail.com

۲. دانشیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران رایانامه: Hosseinpour@atu.ac.irm

۳. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، رایانامه: hajivandali61@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

هدف پژوهش حاضر، عارضه‌یابی و اولویت‌بندی چالش‌های اجرای خطمنشی عمومی خصوصی‌سازی با تأکید بر سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون می‌باشد. رویکرد ارزیابی حاکم بر این پژوهش، رویکرد مدیریتی بوده و الگوی ارزیابی خطمنشی مورد استفاده، ترکیبی از الگوی هدف‌گرا و خبره‌گرا می‌باشد. همچنین ملاک ارزیابی، آخرين گزارش مجلس شورای اسلامي از ميزان تحقق اهداف خصوصی‌سازی در كشور است. در اين پژوهش جهت عارضه‌یابي و شناسايي مؤلفه‌های مؤثر در عدم تحقق اجرای خطمنشی مورد نظر از روش دلفي استفاده شده است، كه درنهایت با استفاده از نظرات ۱۸ نفر از خبرگان با سابقه در حوزه تحليل و ارزیابی خطمنشی‌های عمومی و تلفيق مؤلفه‌های استخراج شده از مبانی نظری پژوهش و همچنین مؤلفه‌های پيشنهادی خبرگان، هشت مؤلفه اصلی شامل افزایش اسمی و غيرواقعي سهم بخش‌های خصوصی و تعاني در اقتصاد ملی، مغفول ماندن سياست افزایش رقابت‌پذيری در اقتصاد ملی، عدم ارتقای كارايی بنگاه‌های اقتصادي، بهره‌وری منابع مادي، انساني و فناوري در سطح موردن انتظار، درجا زدنها و پسرفت رشد اقتصاد ملی، عدم گسترش صحيح مالکيت در سطح عموم مردم بهمنظور تأمین عدالت اجتماعي، كاهش ظاهری از بار مالي و مدیريتي دولت در تصدی فعالities اقتصادي و افزایش روزافزون حجم بدنه دستگاه بوروکراسی، كاهش ميزان پسانداز، سرمایه‌گذاری و سطح درآمد اکثريت آحاد جامعه و افزایش پیدا نکردن و حتى كاهش سطح عمومي اشتغال واقعي و ۵۲ شاخص در زمينه مشكلات و چالش‌های اجرای خطمنشی خصوصي‌سازی در كشور شناسايي و ميزان اهميت هر يك از مؤلفه‌ها مشخص گردید.

واژه‌های کلیدی:

ارزیابی خطمنشی عمومی،
عارضه‌یابی اجرای خطمنشی عمومی، خصوصی‌سازی،
سياست‌های کلی اصل

استناد: فرهادی ، امین ؛ حسین پور ، داود ؛ حاجی وند ، علی. (۱۴۰۰). عارضه‌یابی و اولویت‌بندی چالش‌های اجرای خطمنشی خصوصی‌سازی با تأکید بر سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی. حکمرانی و توسعه، ۱ (۳)، ۱۶۸-۱۲۹.



ناشر: انجمن علمی مدیریت دولتی ایران و دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

سنخش راستین موفقیت یک جامعه در فاصله سال‌های طولانی را می‌توان در حصول برنامه‌های بلندمدت آن جستجو کرد. امروزه سازمان‌ها و دولت‌ها بیشتر از هر زمان دیگری در طول تاریخ مجبورند که برنامه‌های خود را به دلیل شرایط محیطی پیرامون، دستخوش تغییرات خواسته و یا ناخواسته نمایند؛ چرا که سرعت تغییر شرایط محیط امروز بیشتر از سرعت اجرای برنامه‌های بلندمدت است. در نتیجه برنامه‌ریزی کلان و بلندمدت از هر زمان دیگری سخت‌تر و پیچیده‌تر شده است؛ اما این پیچیدگی‌ها هیچگاه موجب آن نشده که نقش حیاتی برنامه‌ریزی‌های کلان در حرکت و توسعه ملل مختلف از بین برود یا تضعیف شود؛ به‌طوری که حتی به شکل تناقض‌گونه‌ای، اهمیت آن‌ها بیشتر نیز شده است. انواع مختلفی از برنامه‌ها از نظر دوره زمانی و سطح اولویت وجود دارند، که هر کدام برای انجام انواع متعددی از فعالیت‌ها در زمان آینده تنظیم می‌شوند. آن‌ها را می‌توان به هفت طبقه اصلی تقسیم کرد: مأموریت‌ها یا اهداف بلندمدت، اهداف کوتاه‌مدت، راهبردها یا استراتژی‌ها، خطمشی‌ها، رویه‌ها و مقررات، برنامه‌های عملیاتی، بودجه و برنامه‌های مالی. تفاوت این هفت نوع علاوه بر تعریف و مفهوم هر کدام، در سطح کلان‌نگری آن‌هاست؛ به‌طوری که مأموریت‌ها یا همان برنامه‌های بلندمدت کلان‌نگرترین برنامه‌های ممکن هستند. خطمشی در این ردبندی به عنوان سطح کلان برنامه‌ریزی دولت‌ها تعریف می‌شود، که در اثربخشی دولت‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند. در واقع خطمشی‌ها ابزار تعیین چارچوب کلی اندیشه‌ها برای مدیران در راه تصمیم‌گیری بهتر هستند که می‌توانند اندیشه دولت‌ها را در تصمیم‌گیری هدفمند راهنمایی کنند، و در نتیجه این اطمینان فراهم شود که تصمیم‌ها در مراتب ای این معینی قرار می‌گیرند؛ به عبارت دیگر، خطمشی‌ها الزام به تعیین یک کنش از پیش تعیین شده نمی‌کنند؛ ولی می‌توانند مدیران را هنگامی که قصد تصمیم دارند، راهنمایی کنند. به این ترتیب، دولت‌ها متولیان خطمشی‌گذاری کلان جامعه هستند که وظیفه تبیین سیاست‌های کلان را در موضوع خاصی به عهده دارند. هر چند لزوماً خطوط مشی را فقط دولت‌ها تعیین نمی‌کنند و ممکن است سایر ارکان سیاسی و اقتصادی نیز با توجه به ساختار در تبیین آن نقش مهمی داشته باشند، در ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران، مقام معظم رهبری نیز می‌تواند به کمک سایر قوا نقش مهمی در تعیین سیاست‌های کلان و خطوط مشی ایفا کند؛ اما صرف‌نظر از چگونگی شکل‌گیری خطمشی، همواره مسیر حرکت آن از بالا به پایین است؛ به‌گونه‌ای که در

سلسله‌مراتب اجرایی می‌تواند تا پایین‌ترین حد ممکن در یک نظام سیاسی و یا در یک سازمان نیز پیش برود.

اغلب تصور می‌شود زمانی که قانونی به تصویب می‌رسد، اداره‌ای به وجود می‌آید و پولی صرف می‌شود تا اهداف آن قانون، بوروکراسی و هزینه‌ها محقق شود. ما فرض را بر آن می‌گیریم، هنگامی که مجلس یک خطمشی را تصویب کرد، برای آن پولی اختصاص داد و نیز شاخه اجرایی برنامه‌ای را سازماندهی کرد، افراد را استخدام و پول خرج می‌کند و فعالیت‌های طراحی شده برای اجرای خطمشی را انجام می‌دهد، تأثیر خطمشی که از طرف جامعه احساس خواهد شد، همان تأثیر مدنظر خواهد بود؛ اما متأسفانه این پیش‌فرض‌ها همیشه درست نیستند (دای^۱، ۲۰۰۸). تجرب موفق پیشین مؤیدی بر اهمیت خصوصی‌سازی به عنوان راهکار برونو رفت از چالش‌های ذاتی اقتصاد دولتی و نیز عصر پرتلاطم امروز در صورت اجرای درست می‌باشد. این پژوهش نیز در این راستا بر اینکه خصوصی‌سازی یک راهکار بلندمدت در مسیر رشد و توسعه اقتصادی ایران است، تأکید می‌ورزد. البته به رغم همه تلاش‌های صورت‌گرفته در سال‌های اخیر، به‌نظر می‌رسد که خصوصی‌سازی بدل به یک معضل پایدار در عرصه خطمشی‌گذاری دولت‌های مختلف شده است؛ این در حالی است که برنامه‌های توسعه پیشین نقش خصوصی‌سازی را به عنوان یک محرک و پیشران اقتصادی ترسیم کرده بودند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

خطمشی‌گذاری عمومی

امروزه مردم از دولت‌ها انتظار دارند تا کارهای زیادی برایشان انجام دهند. در واقع به ندرت می‌توان یک مشکل اجتماعی یا فردی را پیدا کرد که یک گروه برای آن تقاضای یک راهکار دولتی ننماید. طی سال‌ها، به موازات اینکه شهروندان بیشتری برای حل مسائل اجتماعی به دولت مراجعه کرده‌اند، اندازه دولت نیز رشد پیدا کرده و خطمشی‌های عمومی به تمام حوزه‌های زندگی نفوذ یافته‌اند. خطمشی عمومی عبارت است از آن چیزی که دولت‌ها تصمیم دارند انجام دهند یا انجام

^۱. Dye

ندهند. دولتها کارهای زیادی انجام می‌دهند. تعارضات را در جامعه نظم می‌دهند، جامعه را سازماندهی می‌کنند تا تعارض با سایر جوامع را رفع کنند، مقدار زیادی از پاداش‌های نمادین و خدمات مادی را بین اعضای جامعه تقسیم می‌کنند، و اغلب در قالب مالیات از جامعه پول دریافت می‌کنند. بنابراین خط‌مشی‌های عمومی ممکن است رفتارها را نظم‌دهی کنند، بوروکراسی‌ها را سازماندهی کنند، منافع را توزیع کنند، و یا مالیات‌ها را جمع‌آوری کنند؛ یا اینکه همه این‌ها را همزمان انجام دهند؛ به عبارت دیگر، خط‌مشی عمومی تصمیمی است که در قبال یک مشکل عمومی اتخاذ می‌شود؛ اما خط‌مشی صرفاً اتخاذ تصمیم نیست، بلکه فرایندی است شامل تمام اقدامات که از زمان احساس مشکل شروع می‌شود و به ارزیابی نتایج حاصل از اجرای خط‌مشی ختم می‌گردد. خط‌مشی دو ویژگی بازدارد: اول اینکه خط‌مشی یک الگوی عملی است و نه یک رویداد مجرد و انتزاعی؛ به طور مثال، راه حل مسائلی که فقط یک بار در تاریخ یک کشور اتفاق می‌افتد، خط‌مشی نیست. دوم اینکه اجرای خط‌مشی به دلیل نیاز به هماهنگ ساختن عوامل ناسازگار یا ایجاد انگیزه برای اقدام جمعی در افرادی که اهداف مشترک دارند و با یکدیگر همکاری می‌کنند، یک عمل اجتماعی محسوب می‌شود (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۹۴).

البته در رویکردی که به خط‌مشی‌گذاری عمومی می‌پردازد، به ساختار یا رفتار بازیگران سیاسی یا آنچه دولتها باید یا مجبورند انجام دهند، توجه چندانی نمی‌شود، بلکه کانون اصلی آن معطوف به موضوعی است که دولتها واقعاً انجام می‌دهند؛ به طوری که متفکران اولیه این رویکرده، آن را علم خط‌مشی نامیدند. به اعتقاد لاسول علم خط‌مشی دارای سه ویژگی منحصر به فرد است که آن را از رویکردهای پیشین متمایز می‌کند: چندرشتیه‌ای است، به دنبال حل مشکل است و بسیار هنجاری است. جیمز اندرسون¹ خط‌مشی را مجموعه اقدامات هدف‌دار تعریف می‌کند که به‌وسیله یک یا مجموعه‌ای از بازیگران برای برخورد با مشکل یا مسئله مورد توجه در نظر گرفته شده است. وی نیز بر مجموعه بازیگران تأکید دارد؛ اما با رویکرد حل مسئله خط‌مشی را تعریف نموده و خط‌مشی را متمرکز بر حل مسئله و رفع مشکل می‌داند؛ و حال آن که برخی پا را فراتر گذاشته و خط‌مشی عمومی را دانشی دانسته‌اند که محل تقاطع همه رشته‌هایی است که الگوهای، شیوه‌ها و یافته‌های

1. James Anderson

آن‌ها می‌تواند در بررسی مشکلات اساسی که توسط حکومت مطرح می‌شود، سهیم باشد. لانگبین^۱ (۲۰۱۲) نیز در تعریف خود خطمشی‌ها را قوانینی کلی و فرآگیر می‌داند که برای محقق‌شدن آن برنامه‌های عملیاتی تدوین می‌شود، که این برنامه‌ها ماهیتی مستمر داشته و خود به پروژه‌هایی مدت‌دار تقسیم می‌گردند (لانگبین، ۲۰۱۲).

فرایند خطمشی‌گذاری را می‌توان مشمول این مراحل دانست: ۱) شناخت، درک مسئله و دستور کار؛ عوامل بی‌شماری ممکن است در معرفی و ارائه یک مشکل به عنوان مشکل عمومی نقش داشته باشند. از میان این عوامل می‌توان به تأثیر مطالعات، سخنرانی‌ها و گزارش‌ها اشاره کرد، که به نحوی نیازها و کمبودهای شهروندان را بیان می‌کند و پیگیری و اقدام از سوی نهادهای دولتی را ضروری می‌سازد؛ ۲) طراحی و شکل‌گیری، فشار افکار عمومی و آثار مسئله، سازمان متولی را ناچار به بررسی و ارائه چارچوب می‌کند. موافقان و مخالفان به بررسی مسئله، علت‌یابی، شناسایی متغیرها و بستر، و ارائه راه حل می‌پردازند. سازمان‌ها با جمع‌آوری شواهد، تعیین معیار گزینه‌ها، مشورت و تحلیل ریسک راه حل‌ها یکی از گزینه‌ها را انتخاب می‌کنند، به آن مشروعيت می‌بخشند و آن را قانونی می‌سازند؛ ۳) ابلاغ و اجرای خطمشی، پس از مجاز شدن اجرای خطمشی، مراجع اجرا آن را به واحدهای سازمانی ابلاغ می‌کنند. در اجرای دقیق خطمشی، خطمشی‌های ارتباطی، سازوکارهای حمایت از مجریان و تأمین منابع مشخص می‌شود؛ ۴) ارزیابی خطمشی، با اجرای خطمشی فعالیتها و عملیات خاتمه نمی‌پذیرد و ارزیابی برای پاسخگویی به مشکل عمومی باید به دقت به اجرا گذاشته شود که آیا مشکل برطرف شده یا مسئله جانبی دیگری به وجود آمده است. این مراحل به طور جدا از هم اجرا نمی‌شوند، بلکه به صورت فرایندی پویا و دارای ارتباط چندسویه با هم شکل می‌گیرند. در این مرحله بازخوردها، قیاس اهداف تعیین شده و منابع تخصیص داده می‌شود و مهارت دست‌اندرکاران برای اجرای اثربخش کنترل می‌گردد؛ ۵) اصلاح، تغییر یا خاتمه خطمشی، پس از کسب نتایج ارزیابی، نقاط قوت و ضعف مشخص می‌شود. در این مرحله، جریان پشتیبانی فعال می‌گردد، برنامه‌ای برای رفع کمبودها و اقدام‌های بعدی وضع می‌شود. در نتیجه ممکن است، اصلاح یا حذف صورت گیرد (دانش‌فرد، ۱۳۹۳). البته باید به این نکته اشاره داشت که مرحله تدوین

^۱. Langbein

خط‌مشی نیز یکی از مهم‌ترین مراحل این فرایند است؛ به‌گونه‌ای که پریمن و ویلداوسکی^۱ بیان کرده‌اند بزرگ‌ترین مشکل در عدم اجرای خط‌مشی بی‌توجهی به تمهیدات خاص ایجاد موفقیت در مرحله تدوین است (دنهارت^۲، ۱۳۹۷).

اجراي خط‌مشی

مرحله اجرا یکی از مهم‌ترین و پر چالش‌ترین مراحل فرایند خط‌مشی گذاری می‌باشد؛ زیرا این مرحله نقطه آغازین تحقق هدف‌ها است و پس از آن در مرحله ارزیابی میزان دستیابی به هدف‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و در نتیجه این ارزیابی‌ها است که نشان می‌دهد تا چه میزان اجرای خط‌مشی‌های تدوین شده موفق‌آمیز و یا با شکست همراه بوده است (قلیپور و همکاران، ۱۳۹۰). سبtier و مزمینی^۳ اجرا را انجام تصمیمات خط‌مشی که عموماً به صورت بیانیه رسمی می‌باشد، تعریف نموده‌اند. در چنین حالتی اجرا می‌تواند شکلی از اجرای دستورات مقامات اجرایی و یا تصمیمات دادگاه باشد (سبtier و مزمینی، ۱۹۷۹). بروکز^۴ معتقد است که اجرای خط‌مشی شامل فعالیت‌هایی همچون به‌کارگیری قوانین، تفسیر آن‌ها و اجرای قوانین و تصورات و ارائه خدمات به مردم می‌باشد. از نظر بروکز اجرای خط‌مشی موضوع بسیار پیچیده‌ای می‌باشد که نیازمند تکنیک‌ها و آیین‌نامه‌های مناسب می‌باشد (بروکز، ۱۹۹۸). درنهایت می‌توان گفت که اجرای خط‌مشی در مفهوم کلی به معنای اجرای قانون است که در آن بازیگران، سازمان‌ها، رویه‌ها و تکنیک‌های متفاوت در هم می‌آمیزد تا با تلاش، اهداف یک برنامه یا خط‌مشی پیشنهادی را به نتیجه مطلوب و مثبت برسانند (پی‌لستر و استورات^۵، ۱۳۸۱).

¹. Priman & Wildowsky

². Denhardt

³. Sabatier& Mazmanian

⁴. Brooks

⁵. Lester & Stewart

رویکردهای اجرا

رویکرد بالا به پایین^۱ در سازمان‌های عمودی که سلسله‌مراتب و قوانین و مقررات خیلی سخت اجرا می‌شود، استفاده می‌گردد. سازمان‌هایی که خیلی بوروکراتیک و مقرراتی هستند، راس هرم سازمان تصمیم‌گیری انجام می‌گیرد؛ اگر چه ممکن است از سطوح پایین نظرات را هم بگیرند، اما در واقع مدیریت عالی تصمیم‌گیری می‌کند. رویکرد پایین به بالا^۲ از شناسایی شبکه بازیگران مشارکت‌کننده در ارائه خدمات در حوزه‌های محلی آغاز شده و به تحلیل اهداف، استراتژی‌ها، فعالیت‌ها و ارتباطات این بازیگران می‌پردازد. سپس در این مدل از ارتباطات این بازیگران برای شناسایی بازیگران محلی، منطقه‌ای و ملی مشارکت‌کننده در برنامه‌ریزی، تأمین مالی و اجرای برنامه‌های دولتی و غیردولتی استفاده می‌شود. این شیوه، مکانیسمی را برای حرکت به سوی بالا از سطح بوروکرات‌های اجرایی به سوی خط‌مشی‌گذاران در بخش عمومی و خصوصی فراهم می‌سازد. رویکرد ترکیبی^۳ که ترکیبی از ساختار افقی و عمودی است؛ یعنی هم به نظرات سطوح بالا و هم سطوح پایین توجه می‌شود. البته تلاش‌های مختلفی برای ترکیب این دو رویکرد صورت پذیرفته است؛ از جمله، المور^۴ تلاش کرده تا با ترکیب ادبیات نقشه‌ریزی رو به عقب و نقشه‌ریزی رو به جلو بیان کند که خط‌مشی‌گذاران باید در تدوین خط‌مشی به ابزارها و سایر منابع نیز توجه کنند و همچنین ساختار مشوق‌های گروه‌های هدف نهایی را نیز در نظر بگیرند. یکی دیگر از تلاش‌هایی که در ادامه به تشریح آن پرداخته شده است، چارچوب ائتلاف طرفداران است که توسط سبتيیر ارائه شده است (سبتيیر، ۱۹۸۶).

¹. top-down approach

². bottom-up approach

³. hybrid approach

⁴. Elmor

خصوصی‌سازی

خصوصی‌سازی در معنای عام به مفهوم کاهش فعالیت‌های اقتصادی دولت یا محدود کردن مداخله دولت در امور اقتصادی است. بیسلی و چایلد^۱ معتقدند خصوصی‌سازی وسیله‌ای است برای بهبود عملکرد فعالیت‌های اقتصادی از طریق افزایش نیروهای بازار، در صورتی که حداقل ۵۰ درصد سهام آن‌ها به بخش خصوصی واگذار گردد. ولجانوسکی^۲ خصوصی‌سازی را به معنای انجام فعالیت‌های اقتصادی توسط بخش خصوصی یا انتقال مالکیت دارایی‌ها به بخش خصوصی می‌داند. شوارتز^۳ می‌گوید خصوصی‌سازی به معنی به وجود آوردن نظام جدید بر اساس بازار می‌باشد (کمیجانی، ۱۳۸۲). ایده اصلی در تفکر خصوصی‌سازی این است که فضای رقابت و نظام حاکم بر بازار، بنگاه‌ها و واحدهای خصوصی‌سازی را مجبور می‌سازد تا عملکرد کارتری داشته باشند. در مجموع دو دلیل عمدۀ برای خصوصی‌سازی تعریف شده است که عبارتند از: (الف) کاهش مسئولیت‌های دولت و خارج ساختن منابع دولتی از حیطه مدیریت دولت به‌منظور ارتقای کارایی و بهره‌وری در استفاده از این منابع؛ (ب) کاهش بار مالی صنایع ملّی دولتی بر بودجه کشور در راستای تحقق دلیل اول (مگینسون^۴، ۲۰۰۰).

به‌طور کلی، خصوصی‌سازی موجب افزایش قدرت و اعتبار بازار در مقابل تصمیمات دولت می‌شود. خصوصی‌سازی در عمل بر اساس اهداف هر کشور تعیین می‌شود؛ به این معنا که در کشورهای صنعتی و پیشرفته نحوه خصوصی‌سازی با کشورهای در حال توسعه متفاوت است؛ چرا که انتظاری که مردم از خصوصی‌سازی دارند با یکدیگر کاملاً متفاوت است. در بسیاری کشورهای در حال توسعه شرکت‌های دولتی به‌عنوان ابزارهای دولت به‌منظور دستیابی به تخصیص بهینه منابع و حصول کارایی اقتصادی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اما به مرور زمان و با پیچیده‌تر شدن فعالیت این‌گونه شرکت‌ها از جمله عدم کارایی اقتصادی، تخصیص نامطلوب منابع، زیان‌دهی فراوان و تحمیل بر بودجه دولت آشکار می‌شود. در نتیجه حرکت‌های وسیعی برای انتقال و واگذاری

¹. Bisley & Child

². Veljanovski

³. Schwartz

⁴. Megginson

شرکت‌های دولتی به بخش‌های غیردولتی و خصوصی صورت پذیرفته است؛ به عبارت دیگر، دولت‌ها با خصوصی‌سازی به دنبال بسیج همه قدرت‌ها در جهت پیشرفت هستند و می‌کوشند ارتباط جامعه و سیاست را تسهیل کنند (قلیپور، ۱۳۸۷).

تاریخچه خصوصی‌سازی در ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و شروع جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹، لزوم تمرکز دولت بر مالکیت و مدیریت بخش عمده‌ای از صنایع و درگیری در فعالیت‌های اقتصادی کشور، در شرایط حساس دوران جنگ تحمیلی، اجتناب ناپذیر شد؛ سپس به موجب اصل ۴۴ قانون اساسی، مالکیت بسیاری از فعالیت‌ها از جمله بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، صنایع مادر و بزرگ، هواپیمایی، کشتیرانی و نظایر آن، عمومی اعلام شد و مالکیت بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، در اختیار کامل دولت قرار گرفت. این روند تا اواخر دهه ۶۰ کماکان ادامه یافت تا اینکه پس از خاتمه جنگ، دولت اقدام به تدوین و تصویب برنامه‌های بازسازی اقتصادی، اجتماعی در قالب برنامه‌های اول و دوم توسعه نمود تا عملکرد شرکت‌های دولتی را بهبود داده، موجب حضور فعال‌تر بخش خصوصی در اقتصاد ملی شود و بستر لازم جهت خصوصی‌سازی را فراهم نماید. در ادامه این مسیر، طی قانون برنامه سوم توسعه نیز برنامه خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی را تحت عنوان «ساماندهی شرکت‌های دولتی و واگذاری سهام آن‌ها» دنبال نمود. پس از تصویب برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۳۸۳ و تأکید بر سرعت بخشیدن به خصوصی‌سازی در کشور، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ توسط رهبری و مجتمع تشخیص مصلحت نظام، در سال ۱۳۸۴ به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شد و پس از آن نیز قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نیز در سال ۱۳۸۶ به تصویب مجلس و در سال ۱۳۸۷ به تصویب شورای نگهبان رسید، که یکی از مهم‌ترین نقاط عطف در اجرای خصوصی‌سازی در کشور پس از گذشت ۲۰ سال از شروع رسمی خصوصی‌سازی بود؛ اما علاوه بر این قوانین، مصوبات هیأت وزیران، هیأت واگذاری، شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، بخشنامه‌ها و سایر مصوبات

مراجع دولتی و قانون‌گذاری نیز بر روند اجرای خصوصی‌سازی مؤثر بوده و تا امروز در کشور نقش اساسی داشته‌اند.

در ایران خصوصی‌سازی همزمان با آغاز برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در طی سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۷۲ به اجرا در آمد و پس از روند اجرایی آن و تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با آن تغییرات سیاری را تجربه کرد (حبیبی و خوشپور، ۱۳۷۵). بر اساس ماده ۱۹ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و آینه‌نامه اجرایی روش‌های واگذاری موضوع این ماده، هیأت واگذاری مجاز است تا حسب شرایط متناسب با مفاد این ماده از تمام روش‌های ممکن برای واگذاری بنگاه‌ها و مالکیت (اجاره به شرط تملیک، فروش تمام یا بخشی از سهام و واگذاری اموال) و واگذاری مدیریت (اجاره، پیمانکاری عمومی و پیمان مدیریت)، تجزیه، واگذاری، انحلال و ادغام شرکت‌ها حسب مورد استفاده نماید؛ اما در حال حاضر واگذاری شرکت‌ها در کشور به‌طور عمده به صورت واگذاری مالکیت از طریق فروش کل سهام یا بخشی از سهام شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت به بخش‌های غیردولتی از روش‌های بورس، فرابورس، مزایده و مذاکره و به یکی از سه طریق تدریجی، بلوکی و ترجیحی انجام می‌شود.

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی رهبر انقلاب اسلامی به سران قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، ابلاغ شده است. ابلاغ این سیاست‌های استراتژیک و بسیار مهم بر اساس بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی که تعیین سیاست‌های کلی نظام را پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام در حیطه اختیارات و وظایف رهبر انقلاب قرار داده، صورت گرفته است. اصل ۴۴ قانون اساسی که سیاست‌های کلی آن در ابلاغیه مشخص شده، نظام اقتصادی ایران را به سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی متکی می‌سازد و حدود هر بخش را با توجه به ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی و مفاد اصل ۴۳ و به منظور تحقق اهداف شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی، ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی، بهره‌وری منابع مادی، انسانی و فناوری، افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی

فعالیت‌های اقتصادی، افزایش سطح عمومی اشتغال، تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها مشخص می‌کند. بر اساس آخرین گزارش مجلس شورای اسلامی در خصوص میزان تحقق اهداف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی موضوع خصوصی‌سازی در کشور، اهداف هشت‌گانه فوق‌الذکر به صورت کامل محقق نگردیده است.

از اوایل سال ۱۹۷۰ در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، پژوهش و کارورزی در زمینه ارزیابی خطمشی رشد قابل توجهی یافت. در این کشورها ارزیابی خطمشی به طور اساسی از طریق دغدغه فزاینده دولت برای مسائل خطمشی عمومی برانگیخته شد (sapru^۱، ۲۰۱۰). پیشینه ارزیابی خطمشی به سال‌های جنگ جهانی اول و بهخصوص معرفی پژوهش عملیاتی و تکنیک‌های تجزیه و تحلیل اقتصادی برمی‌گردد. به همین دلیل اولین ارزیابی‌های خطمشی، در سیاست‌گذاری اقتصادی و دفاع رخ داد. ملتمنر^۲ معتقد است که احتمالاً در سال ۱۹۵۸ برای نخستین بار چارلز لیندلوم^۳ (از این واژه استفاده کرده است. این نوع ارزیابی خطمشی به مثابه شکلی از مهندسی یا پزشکی، از ضرورت‌های اعتقادی در علوم اجتماعی بود. دانشی از جامعه که می‌تواند راه بهتر کردن آن را فراهم آورد (پارسونز^۴، ۲۰۰۵).

در پژوهش‌های مهم انجام‌شده در این‌باره و در خارج از کشور می‌توان به پژوهش بارو^۵ (۱۹۹۰) اشاره کرد. وی به مطالعه اثر هزینه‌های دولت بر سرمایه‌گذاری خصوصی پرداخت. او مخارج دولت را به دو بخش مخارج مصرفی و مخارج عمرانی تقسیم کرد. بر اساس یافته‌های وی، هزینه‌های مصرفی دولت اثر منفی و هزینه‌های عمرانی دولت، اثر مثبت بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارند. گوپتا^۶ در سال ۲۰۰۱ در هند با بررسی ۳۶ شرکت واگذارشده به بخش خصوصی طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۱۹۹۰ دریافت که با خصوصی‌سازی جزئی، فروش، سود، اشتغال این شرکت‌ها در مقایسه با شرکت‌هایی که دولتی باقی مانده‌اند، به نسبت بالاتر است. نتایج بررسی کوستدا و اسوجنار^۷ (۲۰۰۲)، در جمهوری چک بر اساس چهار گروه: (الف) مالکیت عمده، (ب) بیشتر

^۱. Sapru

^۲. Meltsner

^۳. Charles E. Lindblom

^۴. Parsons

^۵. Barro

^۶. Gupta

^۷. Kocenda & Svejnar

از ۳۳ درصد و کمتر از ۵۰ درصد، ج) حداقل ۱۰ درصد و کمتر از ۳۳ درصد، و د) کمتر از ۱۰ درصد سهام شرکت حاکی از این بود که مالکیت خصوصی در دوره پس از واگذاری در بسیاری از عوامل و نه در همه آن‌ها عملکرد بهتری نسبت به مالکیت دولتی داشته و عملکرد مالکیت غیرمتمرکز بهتر و یا مساوی با انواع متمرکز آن بوده است. مطالعه محمد عمران^۱ در سال ۲۰۰۴ در رابطه با اثر خصوصی‌سازی بر عملکرد شرکت‌ها در مصر برای یافتن پاسخ این سؤال که کدام نوع مالکیت جدید در دوره پس از واگذاری، اثر مثبتی بر عملکرد شرکت‌ها داشته است، مطالعه‌ای را انجام داد و به این نتیجه دست یافت که بین سال‌های ۱۹۸۹ الی ۱۹۹۴ شرکت‌های گروه اول (واگذاری عمده) نسبت به شرکت‌های گروه دوم کمتر از (۵۰ درصد) از عملکرد بهتری برخوردارند و شرکت‌های واگذارشده به کارکنان نسبت به شرکت‌های واگذارشده از طریق بورس در دوره پس از واگذاری، عملکرد بهتری را نشان می‌دهند. لطفی و راندل^۲ (۲۰۰۶)، با بهره‌گیری از داده‌های تابلویی طی دوره ۱۹۹۰ الی ۱۹۹۷ به بررسی اثرات سرمایه‌گذاری دولتی بر سرمایه‌گذاری خصوصی در کشورهای در حال توسعه پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در کشورهای در حال توسعه، سرمایه‌گذاری دولتی به عنوان مکمل سرمایه‌گذاری خصوصی عمل کرده و با افزایش ۱۰ درصدی سرمایه‌گذاری دولتی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به اندازه ۲ درصد افزایش یافته است؛ اما نتایج تحقیق وی برای کشورهای توسعه‌یافته نشان داد که سرمایه‌گذاری دولتی اثر جایگزینی بر سرمایه‌گذاری خصوصی داشته است. از سوی دیگر، آل عمران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای به بررسی خصوصی‌سازی و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی پرداخت. نکته مهمی که از این پژوهش در بخش پیش‌نیازها به دست آمد این بود که تجارت نشان می‌دهد در کشورهایی که فرایند خصوصی‌سازی، قبل از تثبیت اقتصادی و آزادسازی انجام گرفته است یا هر دو همزمان بوده‌اند، با عدم موفقیت همراه بوده است. در نتیجه برای اینکه خصوصی‌سازی به نحو احسن انجام گیرد، باید عوامل پیش‌نیاز خصوصی‌سازی پیش از انجام خصوصی‌سازی به کار برده شوند، نه اینکه به‌طور همزمان و یا پس از آن.

¹. Omran

². Lutfi & Randall

با مطالعه و بررسی تحقیقات انجامشده در حوزه اجرای خطمشی عمومی مشخص شد که اگرچه پژوهش‌های متنوعی در زمینه اجرای خطمشی عمومی صورت پذیرفته است؛ ولی در زمینه موانع اجرای اثربخش خطمشی‌های عمومی در بخش خصوصی که در اقتصاد کشور نقش بسزایی دارند، مطالعات کمتری انجام شده است. بر این اساس، در پژوهش حاضر سعی گردیده است تا به آسیب‌شناسی مشکلی نهادی در بدنه سیاست‌گذاری دولت پرداخته شود، و دلایل و ریشه‌های موفقیت و یا عدم موفقیت آن تحلیل گردد. از آنجا که خصوصی‌شدن مستلزم درگیر کردن بخش‌های مختلف برای اجراست، به این مسأله با نگاهی کل‌نگر نگریسته شده است تا بتوان دلایل بنیادین این روند را از مناظر مختلف شناسایی و طبقه‌بندی کرد. در همین راستا باید به این نکته اذعان داشت که ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در حقیقت بیانگر نوع نگرش نظام به فعالیت‌های اقتصادی کشور می‌باشد؛ اگرچه اعلان این نگرش برای فعالان اقتصادی بسیار حائز اهمیت است و در حقیقت پدیدار شدن افق فعالیت‌های اقتصادی در آینده را نشان می‌دهد؛ اما ارائه راهبردهای اجرایی که منجر به نائل شدن به اهداف این سیاست‌ها است، از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار می‌باشد. هدف اصلی از ابلاغ این سیاست‌ها، تبدیل اقتصاد فعلی کشور به یک اقتصاد پویا، توسعه‌ای و رقابتی است که با کاهش تصدی‌گری دولت و توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی امکان‌پذیر خواهد بود. در چارچوب فرایند خصوصی‌سازی، یک اقتصاد رقابتی شکل گرفته و اقتصاد رقابتی به تغییر نقش دولت، ایجاد امکانات مالی جدید و گسترش رفاه عمومی منجر می‌شود. خصوصی‌سازی از جمله اثربخش‌ترین و ضروری‌ترین راهبردهای دستیابی به صنعت و اقتصادی مترقی و پویا می‌باشد. اصل ۴۴ قانون اساسی بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار است و در صورتی که این اصل مطابق دیگر اصول قانون اساسی محقق شود، رشد و توسعه اقتصادی را در پی خواهد داشت (کیان‌پور، ۱۳۸۸). به طور کلی باید گفت خصوصی‌سازی بخشی از سیاست اقتصادی جامع‌تری است که امروزه تحت عنوانی چون آزادسازی اقتصادی و یا پیوستن به اقتصاد جهانی از سوی برخی از دولتها به شدت تعقیب می‌گردد (گودرزوند چگینی، ۱۳۸۹).

قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی با توجه به دایره شمول آن، به عنوان یکی از قوانین مادر و پایه در زمینه نظام اقتصادی کشور محسوب می‌شود؛ اما با توجه به گذشت سال‌ها از اجرای آن، وجود نواقصی از جمله سهم اندک بخش خصوصی از واگذاری‌های صورت‌گرفته و وجود

موانع توانمندسازی بخش خصوصی سبب شده است تا اهداف مهم این قانون مبنی بر توسعه بخش خصوصی، افزایش بهره‌وری و گسترش فضای رقابتی در اقتصاد ملی از سرعت کافی برخوردار نباشد، که این امر می‌تواند از فرایند اجرا یا حتی از کاستی‌های قانونی نشأت گرفته باشد. بنابراین با هدف بهبود فرایند اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و رفع ابهامات و نواقص مربوط به مواد مختلف، به بررسی موانع و محدودیت‌های تحقق اهداف قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، پرداخته می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با هدف شناسایی و اولویت‌بندی عارضه‌ها و عوامل مؤثر بر عدم تحقق اهداف خصوصی‌سازی و اصل ۴۴ قانون اساسی در حوزه اجرای آن انجام شده است. بنابرین رویکرد حاکم در این پژوهش، رویکرد مدیریتی یا اداری می‌باشد و الگوهای ارزیابی، ترکیبی از الگوی هدف‌گرا از نوع روش محصور و الگوی خبره‌گرا از نوع ارزش‌محصور می‌باشد. ملاک ارزیابی، گزارش ارزیابی مجلس شورای اسلامی در خصوص میزان تحقق اهداف سیاست‌های اصل ۴۴ موضوع خصوصی‌سازی در کشور می‌باشد. در این پژوهش جهت شناسایی و اولویت‌بندی عارضه‌ها و مؤلفه‌های مربوط به موانع و مشکلات حوزه اجرای صحیح اصل ۴۴ ام قانون اساسی از روش دلفی استفاده شده است. اعضای پانل دلفی برای این پژوهش به صورت نمونه‌گیری غیراحتمالی و ترکیبی از روش‌های هدف‌دار یا قضاوی و زنجیره‌ای (گلوه برفی) برگزیده شدند، که عبارت بودند از ۱۸ نفر از خبرگان و استادی با سابقه در حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی، تحلیل و ارزیابی خط‌مشی، پرسشنامه نظرسنجی مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در دور اول برای جمع‌آوری نظرات و پیشنهادات، در دور دوم برای شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌ها، و در دور سوم برای تعیین میزان اهمیت هر یک از مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در اختیار اعضای پانل قرار گرفت، که درنهایت نظرات خبرگان جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در مرحله بعد، با استفاده از مبانی نظری و ادبیات پژوهش، ابعاد و مؤلفه‌های مرتبط با مشکلات حوزه اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی استخراج، دسته‌بندی، پالایش و تدوین گردید، که به صورت پرسشنامه اولیه بسته پاسخ و باز پاسخ به صورت همزمان برای ارزیابی نظر خبرگان در اختیار اعضای پانل خبرگان قرار گرفت؛ به عبارت دیگر، گوییه‌های سؤالات بسته پاسخ بر اساس مطالعات

کتابخانه‌ای و سؤالات باز پاسخ جهت اخذ نظرات خبرگان طراحی شد. سؤالات اساسی عبارت بودند از: ۱) آیا این مؤلفه بیان کننده ابعاد مختلف مشکلات و موانع اجرای صحیح اصل ۴۴ قانون اساسی می‌باشد؟ ۲) میزان ارتباط مؤلفه با اجرای صحیح اصل ۴۴ قانون اساسی به چه میزان می‌باشد؟ در این مرحله از اجرای دلfü، مؤلفه‌ها و ابعادی که دارای توافق پایین بودند، حذف شدند و با توجه به پیشنهاد خبرگان برخی از مؤلفه‌های در زیرمجموعه ابعاد جایه‌جا شدند و پرسشنامه نهایی مورد توافق برای تعیین میزان اهمیت هر یک از ابعاد و مؤلفه‌ها در مرحله بعد به اعضای پانل ارسال گردید. با جمع‌بندی این امتیازها، ضریب وزنی هر یک از شاخص‌ها و محاسبه میانگین این وزن‌ها، وزن هر یک از مؤلفه‌ها از نظر خبرگان تعیین گردید. جدول ۱ مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخص‌های پیشنهادی پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخص‌های پیشنهادی پژوهش

ردیف	مؤلفه‌ها (مشکلات اصلی)	شاخص‌ها (موانع و چالش‌ها)
۱	حرکت کند و گاه‌آ درجا زدن‌ها و پس‌رفت رشد اقتصاد ملی	عدم رفع صحیح و بهنگام موانع تولید، نداشتن دیدگاه آینده‌نگرانه، تلاطم محیط سیاسی و تأثیرپذیری اقتصاد ملی از آن، عدم توجه به متغیرهای زمینه‌ای، تغییر دولتها و تغییر سیاست‌ها، ترجیح ملاحظات سیاسی و ملاحظات فنی و نتیجه‌گرایی، عدم برنامه‌ریزی برای اجرا و واستگی مستمر دولت به درآمدهای نفتی
۲	عدم گسترش صحیح مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی	نگرش منفی مدیران و مقاومت آن‌ها در برابر واگذاری، حاکمیت منطق کاپیتالیستی، فقدان تعهد کامل سیاسی نسبت به خصوصی‌سازی، بی‌توجهی به طرف تقاضا در واگذاری‌ها، نگاه یکسان و مشابه در واگذاری کلیه بنگاه‌ها و شرکت‌های مشمول واگذاری، و سرمایه اجتماعی پایین در جامعه
۳	عدم ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی، و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری در سطح مورد انتظار	بی‌انضباطی سیاست‌های مالی دولت، سازوکار ناکارآمد و غیراصولی واگذاری‌ها، هدایت و نظارت غیر مؤثر بنگاه‌های خصوصی شده پس از واگذاری، مسئولیت‌گریزی و پاسخگو نبودن مجریان و خطمنشی‌گذاران، پائین بودن نرخ سودآوری بخش مولّد در مقایسه با بخش‌های غیرمولّد، و عدم توجه به شایسته‌سالاری
۴	مغفول ماندن سیاست افزایش	عدم ایجاد فضای مناسب کسب‌وکار، واگذاری صرفاً به صورت

سهام و مالکیت، نبود و فضای رقابتی مناسب ناشی از اعمال نفوذ و استگان به دولت، محیط غیررقابتی اقتصاد ملی، بازاریابی غیرمنسجم بنگاه‌های مشمول واگذاری، فقدان باور و فهم مشترک از سیاست‌های ابلاغی، شفافیت پایین واگذاری در روند اجرا، و اعمال سلیقه مجریان	رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی	
---	---------------------------	--

ادامه جدول ۱. مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخص‌های پیشنهادی پژوهش

ردیف	مؤلفه‌ها (مشکلات اصلی)	شاخص‌ها (موانع و چالش‌ها)
۵	افزایش اسمی و غیرواقعی سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی	عدم توانمندسازی صحیح بخش خصوصی و تعاونی، حمایت و پشتیبانی مالی ضعیف از بخش خصوصی و تعاونی، ضعف ساختاری و قدرت و انگیزه کم بخش خصوصی، اختیار ضعیف سازمان خصوصی‌سازی برای برنامه‌ریزی و اجرا
۶	کاهش ظاهری از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیتهای اقتصادی و بعضاً افزایش روزافزون حجم بدنه دستگاه بوروکراسی	عدم توجه مناسب به مقررات زدایی، ظهرور شرکت‌های شبهدولتی، عدم واگذاری مدیریت‌ها و تفویض اختیار مدیریتی، دخالت بیش از اندازه دولت در اقتصاد، سیاست‌زدگی مجریان، مقاومت مجریان دولتی در مقابل واگذاری‌ها و نگرانی از قطع امتیازات، عدم وجود توانایی‌های مدیریتی
۷	افزایش پیدا نکردن و حتی کاهش سطح عمومی اشتغال واقعی	عدم حمایت دولت از کارآفرینان واقعی آماده، آمارسازی‌های غیرواقعی در مورد مسأله اشتغال و بیکاری، عدم اعتماد کافی دولت به بخش خصوصی و تعاونی، تعدیل نیروهای مازاد شرکت دولتی با خصوصی‌سازی، مشکلات ساختاری در شرکت‌های دولتی، و حسادت (عدم اعتماد) عمومی نسبت به کارآفرینان خصوصی
۸	کاهش میزان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و سطح درآمد اکثریت آحاد جامعه	عدم توجه شایسته به رفع موانع سرمایه‌گذاری، نبود فرهنگ‌سازی عمومی توسط دولت، ناپایداری وضعیت اقتصادی و نامنی سرمایه سرمایه‌گذاران، نبود شفافیت سازوکار نامناسب عرضه و تقاضای سهام، ضعف‌های روان‌شنختی، عدم اعتماد مردم به نیات و سیاست‌های دولت، و عدم حمایت‌های کافی بعدی دولت پس از واگذاری‌ها

در ادامه برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده گردید. در واقع پس از استخراج مفاهیم هم‌سنخ که منجر به شکل‌گیری مقوله‌ها (آسیب‌ها) شد، بخش دوم پژوهش یعنی بخش کمی آغاز و مقوله‌ها به بوته آزمون گذارده شد. در این مرحله به روش پیمایشی و با استفاده از رویکرد استقرایی جهت رتبه‌بندی مقوله‌ها (آسیب‌ها) بهره برده شد. بدین منظور، پرسشنامه اولیه با استفاده

از آسیب‌های شناسایی شده در مرحله کیفی، طراحی و سپس با توجه به محقق ساخته بودن ابزار، روایی و اعتبار آن مورد سنجش قرار گرفت. برای تعیین اعتبار پرسشنامه از روش اعتبار محتوا و اعتبار عاملی استفاده گردید. پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از آلفای کرونباخ ارزیابی شد، که ۰/۸۹ به دست آمد. درنهایت، پرسشنامه در اختیار جامعه آماری پژوهش در بخش کمی قرار گرفت. جامعه آماری در این مرحله، تمامی افراد در دسترس و مسلط به مباحث تخصصی خصوصی‌سازی اعم از استادی دانشگاه، کارشناسان اقتصادی، صاحبان تأییف یا ترجمه مرتبط با موضوع و کارشناسان و مدیران شاغل در فرایندهای اجرایی خصوصی‌سازی و اجرای قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون به تعداد ۱۸ نفر بود، که درنهایت پرسشنامه به صورت تمام‌شماری در اختیار ایشان قرار گرفت. لازم به ذکر است که بخش کمی پژوهش به منظور رتبه‌بندی آسیب‌ها انجام گردید.

یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که اشاره شد، اهداف تحقیق‌نیافته و یا کمتر تحقیق‌یافته سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در فرایند اجرای خط‌مشی عمومی «خصوصی‌سازی» در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. از این‌رو ابتدا باید مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و حوزه‌های مرتبط با این مقوله مشخص گردد تا به عنوان نقشه راه در جهت ارتقای این موانع و مشکلات فرایندهای اجرای خط‌مشی مورد استفاده قرار گیرد. مؤلفه‌هایی که در دور اول توسط خبرگان پیشنهاد شده بود، و همچنین شاخص‌هایی که با مطالعه ادبیات و حوزه نظری پژوهش استخراج شده بود، در مؤلفه‌های چندگانه دسته‌بندی گردید. بنابراین با استفاده از پیشینه مطالب نظری و جمع‌بندی تعاریف، مؤلفه‌های مربوط به موانع و مشکلات حوزه اجرای خصوصی‌سازی مشخص شد، که در ادامه با نظر خبرگان در مراحل اجرای دلفی، اندکی تعديل گردید. شایان ذکر است که در این پژوهش مؤلفه‌های مربوط به موانع و مشکلات حوزه اجرای خصوصی‌سازی با سه سنجه مورد بررسی قرار گرفته‌اند: میزان ارتباط مؤلفه با خط‌مشی، میزان ارتباط مؤلفه با ابعاد خط‌مشی در اجرا و میزان اهمیت مؤلفه در اجرای خط‌مشی. میزان اجماع خبرگان در زمینه میزان ارتباط مؤلفه با موانع و مشکلات حوزه اجرای خصوصی‌سازی با استفاده از روش‌های آمار توصیفی (نما) مورد محاسبه و تجزیه و تحلیل انجام گرفت و با توجه به طیف لیکرت (خیلی کم تا خیلی زیاد) مورد استفاده در پرسشنامه خبرگان نتیجه

اجماع آنان برای هر یک از شاخص‌ها محاسبه شد. همچنین ضریب وزنی هر یک از شاخص‌ها جهت تعیین میزان وزن آن‌ها محاسبه گردید، که عددی بین ۱ تا ۵ است. هر چه عدد به دست آمده به ۵ نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده ضریب وزنی بالای آن شاخص می‌باشد. برای محاسبه ضریب وزنی هر یک از مؤلفه‌ها از فرمول ۱ استفاده شده است:

$$I = \{(w_1 \cdot n_1) + (w_2 \cdot n_2) + \dots (W_n \cdot n_n)\} / N$$

فرمول ۱. ضریب وزنی مؤلفه‌ها

I = وزن هر مؤلفه

w = وزن

n = تعداد نفرات هر گزینه

N = تعداد کل مشارکت کننده‌ها

✓ حرکت کند و گاهًا درجا زدن‌ها و پس‌رفت رشد اقتصاد ملّی

در مؤلفه «حرکت کند و گاهًا درجا زدن‌ها و پس‌رفت رشد اقتصاد ملّی»، از میان شاخص‌های پیشنهادی و شناسایی‌شده از مبانی نظری این حوزه، ۸ شاخص مورد توافق خبرگان قرار گرفت که در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. شاخص‌های مؤلفه «حرکت کند و گاهًا درجا زدن‌ها و پس‌رفت رشد اقتصاد ملّی»

شاخص‌ها	بیشترین اجماع	ضریب وزنی
عدم رفع صحیح و بهنگام موافع تولید	خیلی زیاد	۴/۲۸
وابستگی مستمر دولت به درآمدهای نفتی	خیلی زیاد	۴/۱۱
تلاطم محیط سیاسی و تأثیرپذیری اقتصاد ملّی از آن	زیاد	۵/۳۲
عدم توجه به متغیرهای زمینه‌ای	زیاد	۳/۹۴
تغییر دولت‌ها و تغییر سیاست‌ها	خیلی زیاد	۴/۳۳

۳/۹۴	زیاد	ترجیح ملاحظات سیاسی و ملاحظات فنی و نتیجه‌گرایی
۲/۸۹	کم	عدم برنامه‌ریزی برای اجرا
۴/۰۰	زیاد	نداشتن دیدگاه همه‌سونگر و آینده‌نگرانه

همان طور که در جدول ۲ قابل مشاهده است، اجماع نظر بالای خبرگان در سه شاخص «عدم رفع صحیح و به‌هنگام موانع تولید»، «واستگی مستمر دولت به درآمدهای نفتی» و «تغییر دولتها و تغییر سیاستها»، نشان‌دهنده این است که این شاخص‌ها نقش سیار زیادی در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دارند. همچنین شاخص‌های «تلاطم محیط سیاسی و تأثیرپذیری اقتصاد ملی از آن»، «عدم توجه به متغیرهای زمینه‌ای»، «ترجیح ملاحظات سیاسی و ملاحظات فنی و نتیجه‌گرایی»، و «نداشتن دیدگاه همه‌سونگر و آینده‌نگرانه»، نقش زیادی در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دارند. در نهایت، نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که شاخص «تلاطم محیط سیاسی و تأثیرپذیری اقتصاد ملی از آن» با مقدار ۵/۳۲ بیشترین و شاخص «عدم برنامه‌ریزی برای اجرا» با مقدار شاخص ۲/۸۹ کمترین ضریب وزنی را در بین شاخص‌های این مؤلفه دارند.

✓ عدم گسترش صحیح مالکیت در سطح عموم مردم به‌منظور تأمین عدالت اجتماعی

در مؤلفه «عدم گسترش صحیح مالکیت در سطح عموم مردم به‌منظور تأمین عدالت اجتماعی»، از میان شاخص‌های پیشنهادی و شناسایی شده از مبانی نظری این حوزه، ۶ شاخص مورد توافق خبرگان قرار گرفت، که در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. شاخص‌های مؤلفه «عدم گسترش صحیح مالکیت در سطح عموم مردم به‌منظور تأمین عدالت اجتماعی»

شاخص ها	بیشترین اجماع	ضریب وزنی
نگرش منفی مدیران و مقاومت آن‌ها در برابر واگذاری	زیاد	۳/۹۴
نگاه یکسان و مشابه در واگذاری کلیه بنگاه‌ها و شرکت‌های مشمول	زیاد	۳/۴۵

واگذاری		
۳/۵۶	متوسط	حاکمیت منطق کاپیتالیستی
۳/۸۴	متوسط	بی‌توجهی به طرف تقاضا در واگذاری‌ها
۳/۵۶	متوسط	فقدان تعهد کامل سیاسی نسبت به خصوصی‌سازی
۴/۴۴	خیلی زیاد	سرمايه اجتماعي پايين در جامعه

همان‌طور که در جدول ۳ قابل مشاهده است، اجماع نظر بالای خبرگان در دو شاخص «نگرش منفی مدیران و مقاومت آن‌ها در برابر واگذاری» و «فقدان تعهد کامل سیاسی نسبت به خصوصی‌سازی» نشان‌دهنده این است که این شاخص‌ها نقش زیادی در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دارند. همچنین شاخص‌های «حاکمیت منطق کاپیتالیستی»، «بی‌توجهی به طرف تقاضا در واگذاری‌ها»، و «نگاه یکسان و مشابه در واگذاری کلیه بنگاه‌ها و شرکت‌های مشمول واگذاری»، نقش متوسطی در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دارند. درنهایت یافته‌های این بخش از پژوهش نشان می‌دهد که شاخص «سرمايه اجتماعي پايين در جامعه» با مقدار ۴/۴۴ بیشترین و شاخص «نگاه یکسان و مشابه در واگذاری کلیه بنگاه‌ها و شرکت‌های مشمول واگذاری» با مقدار ۳/۴۵ کمترین ضریب وزنی را در بین شاخص‌های این مؤلفه دارند.

✓ عدم ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی، و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری در سطح مورد انتظار

در مؤلفه «عدم ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی، و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری در سطح مورد انتظار»، از میان شاخص‌های پیشنهادی و شناسایی‌شده از مبانی نظری این حوزه،^۶ شاخص مورد توافق خبرگان قرار گرفت که در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. شاخص‌های مؤلفه «عدم ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی، و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری در سطح مورد انتظار»

ضریب وزنی	بیشترین اجماع	شاخص‌ها
۴/۸۱	زیاد	بی‌انضباطی سیاست‌های مالی دولت

۴/۸۷	خیلی زیاد	سازوکار ناکارآمد و غیراصولی واگذاری‌ها
۵/۱۴	زیاد	هدایت و نظارت غیرمؤثر بنگاه‌های خصوصی شده پس از واگذاری
۴/۴۸	خیلی زیاد	مسئولیت‌گریزی و پاسخگو نبودن مجریان و خطمنشی‌گذاران
۳/۵۳	زیاد	پایین بودن نرخ سودآوری بخش مولد در مقایسه با بخش‌های غیرمولد
۴/۵۹	زیاد	عدم توجه به شایسته‌سالاری

همان‌طور که در جدول ۴ قابل مشاهده است، اجماع نظر بالای خبرگان در دو شاخص «سازوکار ناکارآمد و غیراصولی واگذاری‌ها» و «مسئولیت‌گریزی و پاسخگو نبودن مجریان و خطمنشی‌گذاران» نشان‌دهنده این است که این شاخص‌ها نقش بسیار زیادی در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دارند. همچنین شاخص‌های «بی‌انضباطی سیاست‌های مالی دولت»، «هدایت و نظارت غیرمؤثر بنگاه‌های خصوصی شده پس از واگذاری»، «پایین بودن نرخ سودآوری بخش مولد در مقایسه با بخش‌های غیرمولد»، «هدایت و نظارت غیرمؤثر بنگاه‌های خصوصی شده پس از واگذاری»، و «عدم توجه به شایسته‌سالاری»، نقش زیادی در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دارند. درنهایت می‌توان گفت که شاخص «هدایت و نظارت غیرمؤثر بنگاه‌های خصوصی شده پس از واگذاری» با مقدار ۵/۱۴ بیشترین و شاخص «پایین بودن نرخ سودآوری بخش مولد در مقایسه با بخش‌های غیرمولد» با مقدار ۳/۵۳ کمترین ضریب وزنی را در بین شاخص‌های این مؤلفه دارند.

✓ مغفول ماندن سیاست افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی

در مؤلفه «مغفول ماندن سیاست افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی»، از میان شاخص‌های پیشنهادی و شناسایی شده از مبانی نظری این حوزه، ۸ شاخص مورد توافق خبرگان قرار گرفت که در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵. شاخص‌های مؤلفه «مغفول ماندن سیاست افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی»

ضریب وزنی	بیشترین اجماع	شاخص‌ها
۴/۷۸	خیلی زیاد	عدم ایجاد فضای مناسب کسبوکار

۵/۲۸	خیلی زیاد	نبود فضای رقابتی مناسب ناشی از اعمال نفوذ و استگان به دولت
۵/۲۲	خیلی زیاد	واگذاری صرفاً به صورت سهام و مالکیت
۴/۸۹	زیاد	اعمال سلیقه مجریان
۵/۰۱	خیلی زیاد	محیط غیررقابتی و انحصاری مؤلفه‌های اصلی اقتصاد ملّی
۴/۶۷	زیاد	بازاریابی غیرمنسجم بنگاه‌های مشمول واگذاری

ادامه جدول ۵. شاخص‌های مؤلفه «مغفول ماندن سیاست افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملّی»

ضریب وزنی	بیشترین اجماع	شاخص‌ها
۴/۷۸	زیاد	فقدان باور و فهم مشترک از سیاست‌های ابلاغی
۴/۲۲	متوسط	شفافیت پایین واگذاری در روند اجرا

همان‌طور که در جدول ۵ قابل مشاهده است، اجماع نظر بالا در چهار شاخص «عدم ایجاد فضای مناسب کسب‌وکار»، «واگذاری صرفاً به صورت سهام و مالکیت»، «نبود و فضای رقابتی مناسب ناشی از اعمال نفوذ و استگان به دولت»، و «محیط غیررقابتی و انحصاری مؤلفه‌های اصلی اقتصاد ملّی»، نشان‌دهنده این است که این شاخص‌ها نقش بسیار زیادی در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دارند. همچنین شاخص‌های «اعمال سلیقه مجریان»، «بازاریابی غیرمنسجم بنگاه‌های مشمول واگذاری»، و «فقدان باور و فهم مشترک از سیاست‌های ابلاغی»، نقش زیادی در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دارند. درنهایت یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که شاخص «نبود و فضای رقابتی مناسب ناشی از اعمال نفوذ و استگان به دولت» با مقدار ۵/۲۸ بیشترین و شاخص «شفافیت پایین واگذاری در روند اجرا» با مقدار ۴/۲۲ کمترین ضریب وزنی را در بین شاخص‌های این مؤلفه دارند.

✓ افزایش اسمی و غیرواقعی سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملّی

در مؤلفه «افزایش اسمی و غیرواقعی سهم بخش‌های خصوصی و تعاوی در اقتصاد ملّی»، از میان شاخص‌های پیشنهادی و شناسایی شده از مبانی نظری این حوزه، ۴ شاخص مورد توافق خبرگان قرار گرفت که در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶. شاخص‌های مؤلفه «افزایش اسمی و غیرواقعی سهم بخش‌های خصوصی و تعاوی در اقتصاد ملّی»

ضریب وزنی	بیشترین اجماع	شاخص‌ها
۵/۹۲	خیلی زیاد	عدم توانمندسازی صحیح و اصولی بخش خصوصی و تعاوی
۴/۱۴	زیاد	حمایت و پشتیبانی مالی ضعیف از بخش خصوصی و تعاوی
۴/۸۱	خیلی زیاد	ضعف ساختاری و قدرت و انگیزه کم بخش خصوصی
۵/۴۸	خیلی زیاد	اختیار ضعیف سازمان خصوصی‌سازی برای برنامه‌ریزی و اجرا

همان‌طور که در جدول ۶ قابل مشاهده است، اجماع نظر بالای خبرگان در سه شاخص «عدم توانمندسازی صحیح و اصولی بخش خصوصی و تعاوی»، «ضعف ساختاری و قدرت و انگیزه کم بخش خصوصی» و «اختیار ضعیف سازمان خصوصی‌سازی برای برنامه‌ریزی و اجرا»، نشان‌دهنده این است که این شاخص‌ها نقش بسیار زیادی در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دارند. همچنین شاخص «حمایت و پشتیبانی مالی ضعیف از بخش خصوصی و تعاوی» نقش زیادی در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دارد. درنهایت نتایج تجزیه‌وتحلیل این بخش از پژوهش حاکی از آن است که شاخص «عدم توانمندسازی صحیح و اصولی بخش خصوصی و تعاوی» با مقدار ۵/۹۲ و شاخص «حمایت و پشتیبانی مالی ضعیف از بخش خصوصی و تعاوی» با مقدار ۴/۱۴ کمترین ضریب وزنی را در بین شاخص‌های این مؤلفه دارند.

✓ کاستن ظاهری از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی و بعضًا افزایش روزافزون حجم بدنه دستگاه بوروکراسی

در مؤلفه «کاستن ظاهری از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی و بعضًا افزایش روزافزون حجم بدنه دستگاه بوروکراسی»، از میان شاخص‌های پیشنهادی و شناسایی شده از مبانی نظری این حوزه، ۷ شاخص مورد توافق خبرگان قرار گرفت که در جدول ۷ نشان داده شده است.

جدول ۷. شاخص‌های مؤلفه «کاستن ظاهری از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی و بعضًا افزایش روزافزون حجم بدنه دستگاه بوروکراسی»

ضریب وزنی	بیشترین اجماع	شاخص‌ها
۵/۲۴	خیلی زیاد	دخلات بیش از اندازه دولت در اقتصاد
۴/۰۲	زیاد	ظهور و گسترش روزافزون سیطره شرکت‌های شبهدولتی
۳/۴۶	متوسط	عدم واگذاری مدیریت‌ها و تفویض اختیار مدیریتی
۴/۳۵	خیلی زیاد	عدم توجه مناسب به مقررات‌زادایی
۲/۸۰	متوسط	سیاست‌زدگی مجریان
۲/۱۳	کم	مقاومت مدیران دولتی در مقابل واگذاری‌ها و نگرانی از قطع امتیازات
۴/۴۶	زیاد	عدم وجود توانایی‌های مدیریتی لازم

همان‌طور که در جدول ۷ قابل مشاهده است، اجماع نظر بالای خبرگان در دو شاخص «دخلات بیش از اندازه دولت در اقتصاد»، و «عدم توجه مناسب به مقررات‌زادایی»، نشان‌دهنده این است که این شاخص‌ها نقش بسیار زیادی در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دارند. همچنین شاخص‌های «ظهور و گسترش روزافزون سیطره شرکت‌های شبهدولتی»، و «عدم وجود توانایی‌های مدیریتی لازم»، نقش زیادی در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دارند. درنهایت یافته‌های این بخش نشان

می‌دهد که شاخص «دخلات بیش از اندازه دولت در اقتصاد» با مقدار ۵/۲۴ بیشترین و شاخص مقاومت مدیران دولتی در مقابل وگذاری‌ها و نگرانی از قطع امتیازات» با مقدار ۲/۱۳ کمترین ضریب وزنی را در بین شاخص‌های این مؤلفه دارند.

✓ افزایش پیدا نکردن و حتی کاهش سطح عمومی اشتغال واقعی

در مؤلفه «افزایش پیدا نکردن و حتی کاهش سطح عمومی اشتغال واقعی»، از میان شاخص‌های پیشنهادی و شناسایی شده از مبانی نظری این حوزه، ۶ شاخص مورد توافق خبرگان قرار گرفت که در جدول ۸ نشان داده شده است.

جدول ۸. شاخص‌های مؤلفه «افزایش پیدا نکردن و حتی کاهش سطح عمومی اشتغال واقعی»

ضریب وزنی	بیشترین اجمع	شاخص‌ها
۴/۲۲	زیاد	عدم حمایت دولت از کارآفرینان واقعی آماده
۳/۰۰	زیاد	آمارسازی‌های غیرواقعی در مورد مسئله اشتغال و بیکاری
۵/۰۰	خیلی زیاد	عدم اعتماد کافی دولت به بخش خصوصی و تعاونی
۲/۷۸	متوسط	تعديل نیروهای مازد شرکت دولتی با خصوصی‌سازی
۲/۶۷	کم	مشکلات ساختاری در شرکت‌های دولتی
۳/۴۴	متوسط	حسادت (عدم اعتماد) عمومی نسبت به کارآفرینان خصوصی

همان‌طور که در جدول ۸ قابل مشاهده است، اجماع نظر بالای خبرگان در شاخص «عدم اعتماد کافی دولت به بخش خصوصی و تعاونی» نشان‌دهنده این است که این شاخص نقش بسیار زیادی در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دارد. همچنین شاخص‌های «عدم حمایت دولت از کارآفرینان واقعی آماده» و «آمارسازی‌های غیرواقعی در مورد مسئله اشتغال و بیکاری»، نقش زیادی در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دارند. درنهایت یافته‌های این بخش حاکی از آن است که شاخص «عدم

اعتماد کافی دولت به بخش خصوصی و تعاونی» با مقدار ۵/۰۰ بیشترین و شاخص «مشکلات ساختاری در شرکت‌های دولتی» با مقدار ۲/۶۷ کمترین ضریب وزنی را در بین شاخص‌های این مؤلفه دارد.

✓ کاهش روزافزون میزان پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و سطح درآمد اکثربیت آحاد جامعه

در مؤلفه «کاهش روزافزون میزان پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و سطح درآمد اکثربیت آحاد جامعه»، از میان شاخص‌های پیشنهادی و شناسایی‌شده از مبانی نظری این حوزه، ۷ شاخص مورد توافق خبرگان قرار گرفت که در جدول ۹ نشان داده شده است.

جدول ۹. شاخص‌های مؤلفه «کاهش روزافزون میزان پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و سطح درآمد اکثربیت آحاد جامعه»

ضریب وزنی	بیشترین اجمع	شاخص‌ها
۳/۸۹	خیلی زیاد	عدم توجه شایسته به رفع موانع سرمایه‌گذاری
۳/۲۲	متوسط	ضعف‌های روان‌شناسی
۳/۶۷	زیاد	نبود فرهنگ‌سازی عمومی توسط دولت
۴/۴۴	زیاد	عدم حمایت‌های کافی بعدی دولت پس از واگذاری
۳/۷۸	خیلی زیاد	ناپایداری وضعیت اقتصادی و نالمنی سرمایه سرمایه‌گذاران
۳/۷۸	زیاد	عدم اعتماد مردم به نیات و سیاست‌های دولت
۳/۶۷	خیلی زیاد	نبود شفافیت سازوکار نامناسب عرضه و تقاضای سهام

همان‌طور که در جدول ۹ قابل مشاهده است، اجماع نظر بالای خبرگان در سه شاخص «عدم توجه شایسته به رفع موانع سرمایه‌گذاری»، «ناپایداری وضعیت اقتصادی و نالمنی سرمایه سرمایه‌گذاران»، و «نبود شفافیت سازوکار نامناسب عرضه و تقاضای سهام»، نشان‌دهنده این است

که این شاخص‌ها نقش بسیار زیادی در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دارند. همچنین شاخص‌های «نبود فرهنگ‌سازی عمومی توسط دولت»، «عدم حمایت‌های کافی بعدی دولت پس از واگذاری‌ها»، و «عدم اعتماد مردم به نیات و سیاست‌های دولت»، نقش زیادی در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ دارند. درنهایت نتایج تجزیه‌وتحلیل داده‌های این بخش از پژوهش نشان می‌دهد که شاخص «عدم حمایت‌های کافی بعدی دولت پس از واگذاری‌ها» با مقدار ۴/۴۴ بیشترین و شاخص «ضعف‌های روان‌شناختی» با مقدار ۳/۲۲ کمترین ضریب وزنی را در بین شاخص‌های این مؤلفه دارد.

رتبه‌بندی مؤلفه‌های مدل کیفی پژوهش

با استفاده از نظرات و محاسبه شاخص ضریب وزنی هر یک از مؤلفه‌ها، میزان اهمیت هر یک از آن‌ها در اجرای اصولی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مشخص گردید، که در قالب جدول ۱۰ قابل مشاهده می‌باشد.

جدول ۱۰. رتبه‌بندی مؤلفه‌های مؤثر در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴

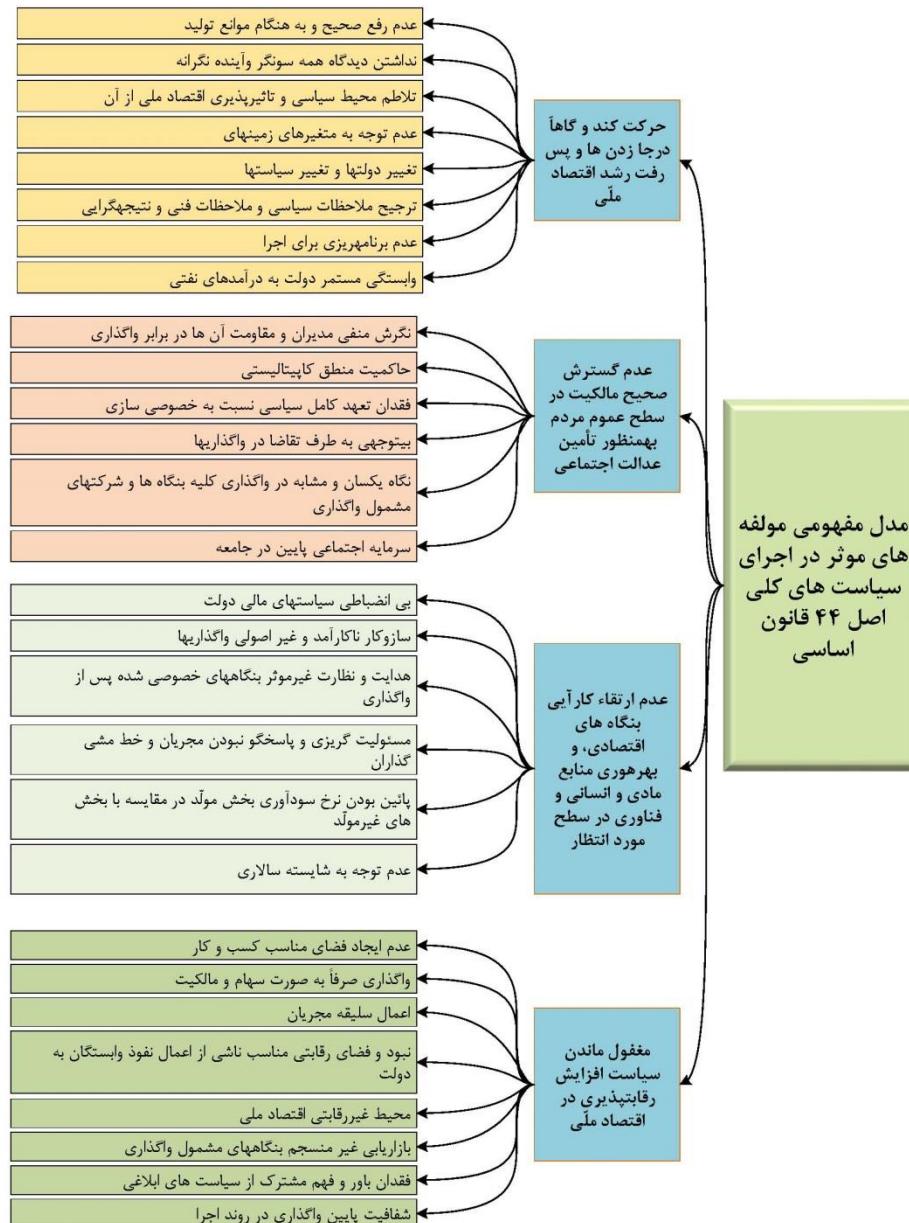
ضریب وزنی	مؤلفه‌ها
۵/۰۸۷	افزایش اسمی و غیرواقعی سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی
۴/۸۵۶	مغفول ماندن سیاست افزایش رفابت‌پذیری در اقتصاد ملی
۴/۵۷۰	عدم ارتقای کارآبی بنگاه‌های اقتصادی، و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری در سطح مورد انتظار
۴/۱۰۱	حرکت کند و گاهآ درجا زدن‌ها و پسرفت رشد اقتصاد ملی
۳/۷۹۸	عدم گسترش صحیح مالکیت در سطح عموم مردم بهمنظور تأمین عدالت اجتماعی
۳/۷۸۰	کاهش ظاهری بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی و بعض‌اً افزایش روزافزون

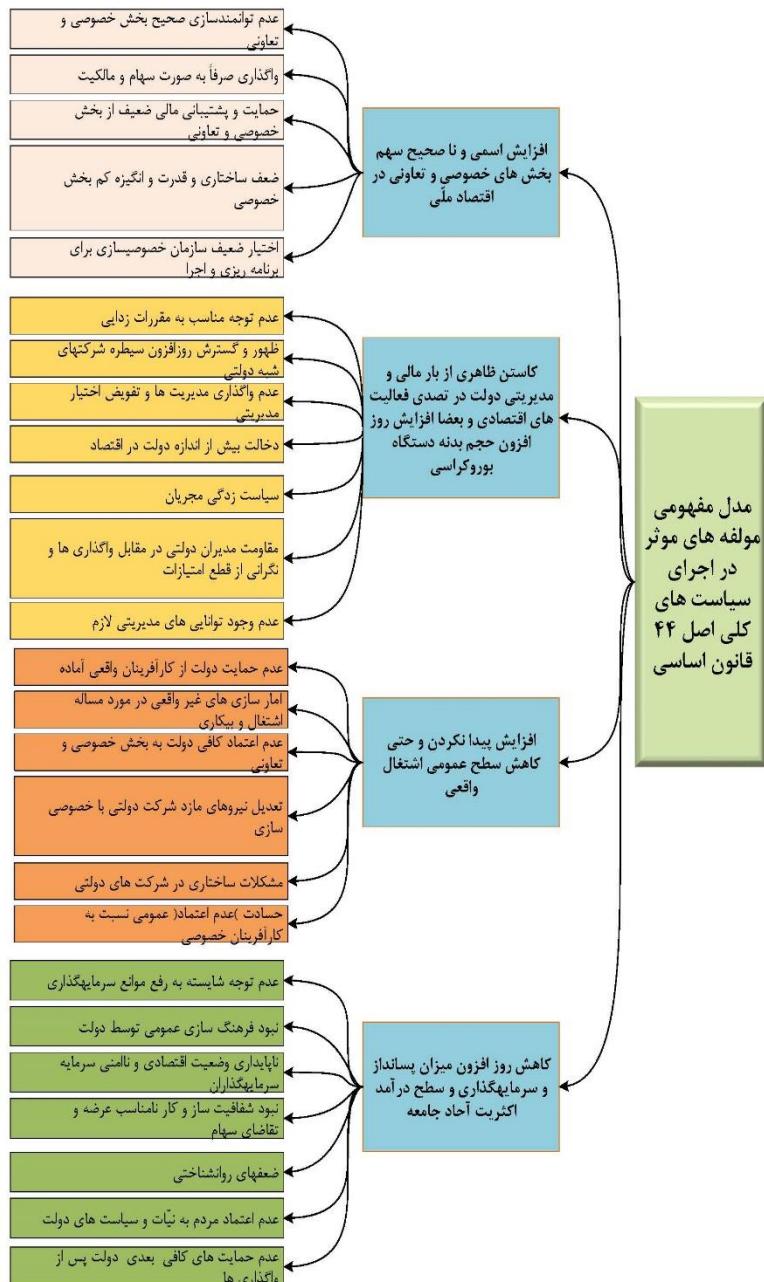
حجم دستگاه بوروکراسی	
۳/۷۷۸	کاهش میزان پسانداز، سرمایه‌گذاری و سطح درآمد اکثربیت آحاد جامعه
۳/۵۱۸	افزایش پیدا نکردن و حتی کاهش سطح عمومی اشتغال واقعی

بر اساس جدول ۱۰ می‌توان گفت که مؤلفه افزایش اسمی و غیرواقعی سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی از نظر خبرگان بیشترین اهمیت را در الگوی عوامل مؤثر در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی دارد. همچنین مؤلفه‌های مغفول ماندن سیاست افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، عدم ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی، و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری در سطح مورد انتظار، حرکت کند و گاه‌آ درجا زدن‌ها و پس‌رفت رشد اقتصاد ملی، عدم گسترش صحیح مالکیت در سطح عموم مردم به‌منظور تأمین عدالت اجتماعی، کاهش ظاهری بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی و بعض‌اً افزایش روزافزون حجم بدنه دستگاه بوروکراسی، کاهش میزان پسانداز و سرمایه‌گذاری و سطح درآمد اکثربیت آحاد جامعه به ترتیب در رده‌های بعدی و مؤلفه افزایش پیدا نکردن و حتی کاهش سطح عمومی اشتغال واقعی در رده آخر اولویت‌های هشتگانه قرار دارد.

مدل نهایی پژوهش

مدل نهایی پژوهش حاضر با تأکید بر عوامل مؤثر در اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در قالب شکل ۱ ارائه شده است.





شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش (منبع: یافته‌های پژوهش حاضر)

بحث و نتیجه‌گیری

هر چه در مرحله اجرای خطمنشی به مقوله ارزیابی توجه بیشتری شود، اجرای آن کامل‌تر خواهد بود. در این پژوهش تلاش شد تا با انجام تحلیل روی آنچه از مصاحبه با خبرگان، کارشناسان، خطمنشی‌گذاران و مجریان بخش خصوصی و درنهایت مدیران بهدست آمد، موانع موجود بر سر راه اجرای موفق خصوصی‌سازی در کشور بررسی شود. آسیب‌های اصلی اجرای خطمنشی خصوصی‌سازی از دیدگاه مدیران اجرایی به ۸ گروه اصلی با توجه به سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی دسته‌بندی شدند. هر دسته نیز شامل ابعاد مختلفی است که بخشی از مشکل موجود در سال‌های متتمدی اجرای خصوصی‌سازی در کشور را نشان می‌دهد. در این پژوهش، ۸ مؤلفه و ۵۲ شاخص برای اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی شناسایی گردید. این ابعاد با توجه به اهمیتی که از نظر خبرگان داشتند، به ترتیب عبارتند از، افزایش اسمی و غیرواقعی سهم بخش‌های خصوصی و تعاوی در اقتصاد ملی با ضریب وزنی (۵/۰۸۷)، مغفول ماندن سیاست افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی با ضریب وزنی (۴/۸۵۶)، عدم ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی، و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری در سطح مورد انتظار با ضریب وزنی (۴/۵۷۰)، حرکت کند و گاه‌آ درجا زدن‌ها و پسرفت رشد اقتصاد ملی با ضریب وزنی (۴/۱۰۱)، عدم گسترش صحیح مالکیت در سطح عموم مردم به‌منظور تأمین عدالت اجتماعی با ضریب وزنی (۳/۷۹۸)، کاهش ظاهری از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی و بعض‌اً افزایش روزافزون حجم بدنه دستگاه بوروکراسی با ضریب وزنی (۳/۷۸۰)، کاهش میزان پسانداز، سرمایه‌گذاری و سطح درآمد اکثریت آحاد جامعه با ضریب وزنی (۳/۷۷۸)، و درنهایت افزایش پیدا نکردن و حتی کاهش سطح عمومی اشتغال واقعی با ضریب وزنی (۳/۵۱۸).

آنچه مشخص است، این است که خصوصی‌سازی به عنوان یک خطمنشی، در کلیت نظام سیاسی و اقتصادی ایران پذیرفته شده و عناصر مختلف اجرایی دست‌اندرکار تلاش کرده‌اند که در دوره‌های مختلف با ارائه قوانین مناسب در بودجه و نیز در سایر ارکان مرتبط، روند اجرایی‌شدن آن را تسهیل

کنند؛ اما نداشتن نظم مشخص در ادوار مختلف دولت‌ها و انبوه مقررات و قوانین سردرگم در این موضوع، سبب تورم قوانین و بوروکراسی بیش از حد شده است. در این زمینه دانایی‌فرد و همکارانش (۱۳۸۹) معتقدند که تدوین غیرعقلایی خطمسشی‌های عمومی به اجرای ناموفق آن خطمسشی منجر می‌شود. از سوی دیگر باید به این نکته اذعان داشت که نگاه مسئولان به پیاده‌سازی خطمسشی خصوصی‌سازی در کشور، نگاهی دستوری بوده و آن‌گونه که باید از دیدگاه‌های ارزشمند عوامل اجرایی واقف به ظرافت‌های اجرای عملی خطمسشی استفاده نشده است و این مسئله به بروز مشکلات متعدد در مرحله اجرای خطمسشی‌ها و نیز درهم‌تنیدگی عوامل ناهمسو منجر می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که بی‌توجهی به ظرفیت‌های اجرایی موجود در مرحله تدوین خطمسشی، به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع اجرای خطمسشی خصوصی‌سازی شناسایی شد. این مانع حاکی از آن است که خطمسشی گذاران حوزه خصوصی‌سازی هنگام تدوین خطمسشی، از امکانات و منابع انسانی، مادی و اطلاعاتی ساختارهای اجرایی و سازمان‌های مجری، آگاهی کافی نداشته و از این ظرفیت‌ها بهره لازم را نمی‌برند.

از سوی دیگر، عامه مردم اصلی‌ترین ذی‌نفعان اجرای یک خطمسشی عمومی هستند و بیشترین تأثیر را از آن می‌پذیرند. مخالفت شهروندان و کمبود حمایت عمومی که خود می‌تواند پیامد برخی از تصمیمات خطمسشی گذاران یا رفтарهای مجریان باشد، بی‌تفاوتی شهروندان نسبت به خطمسشی یا بروز رفтарهای مغایر و متعارض با اهداف خطمسشی را در پی دارد، که این مسئله می‌تواند اجرای خطمسشی عمومی را با مشکلاتی جدی روبه‌رو کند. درنهایت می‌توان گفت که خصوصی‌سازی و اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی از مهم‌ترین خطمسشی‌های عمومی تأثیرگذار بر اقتصاد کشور محسوب می‌شود. با عنایت به اینکه خطمسشی عمومی شامل سه مرحله اساسی تدوین، اجرا و ارزیابی می‌باشد، هر کدام از مراحل تحت تأثیر مراحلی دیگر می‌باشند. با این حال، هر مرحله می‌تواند چالش‌ها و موانع مربوط به خود نیز داشته باشد. اجرای خطمسشی خصوصی‌سازی چندبعدی بوده و به عنوان یک متغیر وابسته، تحت تأثیر متغیرهای مستقل گوناگونی می‌باشد؛ لذا موفقیت آن مشروط به هماهنگی جامع در بین ارکان تمامی متغیرها یا ابعاد مؤثر بر آن بوده و جزیره‌ای عمل کردن در این حوزه و پیشرفت در یک بعد بدون توجه به سایر ابعاد و مؤلفه‌های آن، نتیجه نهایی را تحت تأثیر قرار داده و نمی‌تواند اهداف تعیین‌شده را محقق نماید. اهداف تعیین‌شده برای اجرای

خطمتشی به عنوان معیار مهم و کلیدی در ارزیابی اجرای آن محسوب می‌شوند. برای رسیدن به این اهداف شناسایی چالش‌های هر حوزه جهت رفع موانع آن و ارائه راهکارهای عملی بسیار مهم و حیاتی می‌باشد. اهداف خصوصی‌سازی در محورهای هشتگانه شامل شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملّی، گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی، ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی، و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری، افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملّی، افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملّی، کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی، افزایش سطح عمومی اشتغال و تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها تعیین شده است. این اهداف به عنوان خطکشی جهت بررسی میزان موافقیت اجرای خطمتشی محسوب می‌شوند. با بررسی صورت‌گرفته برای هر کدام از این اهداف، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر بر اجرای آن شناسایی گردید، که در واقع آسیب‌شناسی اجرای خطمتشی در هر بعد را نشان می‌دهد؛ لذا چالش‌های شناسایی شده از جمله پایین بودن مهارت‌های مدیریتی، عدم اعتماد به بخش خصوصی و تعاونی، عدم حمایت‌های بعد از واگذاری‌ها، عدم برنامه‌ریزی و هماهنگی بین واحدها، عدم توجه به شایسته‌سالاری، نبود شفافیت و سازوکار نامناسب عرضه و تقاضای سهام، مشکلات ساختاری در شرکت‌های دولتی، تمایل دولت به دخالت بیش از اندازه در اقتصاد، و نبود فضای رقابتی مناسب ناشی از اعمال نفوذ وابستگان به دولت، به عنوان یک نقشه راه عمل کرده و می‌توان با رفع موانع پیش روی شناسایی شده، سرعت اجرای خطمتشی خصوصی‌سازی در کشور را شتاب بیشتری بخشید.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر و محدود بودن مطالعات مرتبط در این زمینه، پیشنهاد می‌شود تا پژوهشگران ضمن توجه ویژه به مؤلفه‌های احصاء‌شده در فاز دوم این پژوهش و درجه اولویت آن‌ها در پژوهش‌های خود به منظور افزایش اعتبار محتوایی ابزار سنجش مسائل ارزیابی خطمتشی‌ها، به متغیرهای فعلی اکتفا نکنند و به جستجوی متغیرهای دیگر سازمان‌ها نیز پردازنند. مهم‌ترین عامل در اجرای اثربخش خصوصی‌سازی، اجماع نظر مدیران ارشد اجرایی ذی‌ربط در دولت در این زمینه می‌باشد؛ لذا پیشنهاد می‌گردد که هماهنگی قوی و منسجمی بین تیم اقتصادی دولت ایجاد گردد و در خصوص چگونگی اجرای این خطمتشی وحدت رویه حاصل شود. بخش تعاونی و خصوصی کشور جهت پذیرفتن نقش اساسی در این خصوص، باید تقویت گردد؛ لذا پیشنهاد می‌شود

که علاوه بر استمرار راهکارهای تقویتی فعلی، از روش‌های نوین بهویژه روش‌های نوین تأمین مالی جهت تقویت بخش تعاوی و خصوصی کشور استفاده گردد. یکی از عواملی که اقبال بخش‌های غیردولتی برای مشارکت در حوزه خصوصی‌سازی را فراهم می‌کند، انگیزاندۀ بودن این حوزه است و یکی از مهم‌ترین عوامل انگیزشی، رقابتی بودن و شفافیت فرایندهای اجرا و واگذاری‌ها می‌باشد؛ لذا پیشنهاد می‌گردد جهت افزایش استقبال بخش‌های خصوصی و تعاوی، اعمال نظرهای دولتی حداقل گردیده و فرایند واگذاری‌ها و اجرای آن‌ها، کامل شفاف گشته و زمینه مشارکتی همگانی با مکانسیم رقابت پذیری فراهم گردد. با توجه به اینکه شرکت‌های دولتی از بودجه عمومی استفاده می‌کنند و در واقع مدیریت آن‌ها دغدغه زیان احتمالی هم ندارند، اکثریت آنها از ساختار سازمانی و مالی مناسب و قوی برخوردار نمی‌باشند و این امر منجر به عدم موفقیت آن‌ها پس از واگذاری می‌گردد؛ لذا پیشنهاد می‌شود که ساختار سازمانی و مالی شرکت‌های دولتی ابتدا بازنگری شده و پس از واگذاری نیز نظارت دقیق و قوی بر آن‌ها در این خصوص صورت گیرد تا انصباط مالی و شایسته‌سالاری در آنان حاکم گردد. با توجه به اینکه خصوصی‌سازی و اجرای آن ارتباط مستقیمی با رشد اقتصادی کشور دارد، هر گونه عامل مانع رشد اقتصادی از جمله عوامل محیطی داخلی و خارجی، موانع تولید، عدم ثبات سیاسی و مدیریتی، منجر به تأثیرات منفی بر اجرای مؤثر آن می‌شود؛ لذا پیشنهاد می‌گردد با فراهم آوردن شرایط لازم برای رشد اقتصادی از جمله ثبات سیاسی، تدوین سناریوهای مختلف با توجه به تحلیل محیط بیرونی و داخلی و تفکیک مدیران حرفه‌ای از مدیران سیاسی در جهت ثبات مدیریتی، به رشد اجرای خط‌مشی خصوصی‌سازی کمک نمود. از جمله ابزارهای گسترش عدالت در سطح جامعه، گسترش حاکمیت عمومی از طریق واگذاری‌ها می‌باشد، مانند عوامل بازدارنده این موضوع، مقاومت مدیران بخش دولتی در مقابل واگذاری‌ها، عدم توجه به اهلیت متضاییان واگذاری‌ها، حاکمیت زیاد منطق کاپیتلیستی و عدم اعتقاد به بخش عمومی و عدم حمایت پس از واگذاری می‌باشد؛ لذا پیشنهاد می‌گردد که از طریق ابزارهای فرهنگی و آموزشی، نگاه مدیران به بخش خصوصی را تغییر داد و با تقویت اعتماد عمومی از طریق انجام کارهای هدفمند و برنامه‌ریزی شده، زمینه مشارکت حداکثری آحاد جامعه را به عنوان سرمایه‌های اجتماعی فراهم آورد. خصوصی‌سازی به منظور واگذاری و محول کردن کامل اجرای مأموریت به بخش خصوصی به صورت شفاف می‌باشد و در واقع دولت کوچک‌تر و چابک‌تر می‌گردد؛ در غیر این صورت، از مفهوم اصلی آن

منحرف می‌شود؛ لذا پیشنهاد می‌گردد که دولت نقش خود را به عنوان مجری حداقل نموده و نقش نظارتی و سیاست‌گذاری خود را پررنگ‌تر نماید و با خصوصی‌سازی کامل، استقلال و مسئولیت‌پذیری شرکت‌های واگذار شده را تقویت نماید.

شرکت‌ها و سازمان‌های خصوصی در بستر اقتصادی هر کشور فعالیت می‌نمایند؛ لذا برای اینکه آن‌ها بتوانند به حیات خود ادامه داده و سودآوری داشته باشند، باید شرایط و بستر لازم وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت، نه تنها سودآوری نخواهند داشت، بلکه سرمایه‌های عمومی را بر باد داده و اعتماد، سرمایه اجتماعی و مشارکت عمومی را کاهش خواهند داد؛ لذا پیشنهاد می‌گردد که جهت موفقیت شرکت‌های واگذار شده، شرایط مناسب و ثبات اقتصادی در جامعه حاکم گردد و حداکثر پشتیبانی برای این نوع شرکت‌ها به عمل آید. شرکت‌های واگذار شده به عنوان نهاد خصوصی یا تعاوی بر منطق سود و زیان و حسابداری بازرگانی اداره خواهند شد، چنانچه شرایط محیطی و سازمانی مطلوبی بر آن‌ها حاکم نباشد، ادامه حیات آنان با خطر مواجه خواهد گردید و نه تنها، امکان توسعه و ایجاد اشتغال نخواهند داشت، بلکه نیروهای موجود خود را نیز تعديل خواهند نمود؛ لذا پیشنهاد می‌شود که دولت ضمن فراهم آوردن بستر مناسب اقتصادی، با انتخاب مناسب مقاضیان واجد شرایط، شایسته‌سالاری را در این شرکت‌ها حاکم نموده و زمینه رشد و توسعه آن‌ها را فراهم نماید.

منابع

- آل عمران، رویا؛ آل عمران، سید علی (۱۳۹۰). خصوصی‌سازی و سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ۱۲، ۷۳۸-۸۸.
- الوانی، مهدی؛ شریف‌زاده، فتاح (۱۳۹۴). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ سیزدهم.
- حبيبي، على؛ خوشپور، حسن (۱۳۷۵). ارزیابی سیاست خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی در ایران. مجله برنامه و بودجه، ۷، ۴۱-۵۸.
- دانش‌فرد، کرم‌الله (۱۳۹۳). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول.
- دنهاارت، رابت پی (۱۳۹۷). تئوری‌های سازمان‌های دولتی (ترجمه: سید مهدی الونی و حسن دانایی‌فرد). تهران: انتشارات صفار، چاپ جدید.
- قلی‌پور، رحمت‌الله؛ دانایی‌فرد، حسن؛ زارعی متین، حسن؛ جندقی، غلامرضا؛ فلاخ، محمدرضا (۱۳۹۰). ارائه مدلی برای اجرای خط‌مشی‌های صنعتی: مطالعه موردی در استان قم، مدیریت فرهنگ سازمانی، ۲(۹)، ۱۰۳-۱۳۰.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۷). حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت در ایران. نشر دفتر گسترش تولید علم، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد.
- کمیجانی، اکبر (۱۳۸۲). ارزیابی عملکرد خصوصی‌سازی در ایران. تهران: انتشارات وزارت امور اقتصادی و دارایی، چاپ اول.
- کیان‌پور، سعید (۱۳۸۸). بررسی اجمالی خصوصی‌سازی در چند کشور منتخب با اشاره‌ای بر سیاست‌های کلی اصل ۴۴، بررسی‌های بازرگانی، ۷(۳۸)، ۲-۲۰.
- گودرزوند چگینی، مهرداد؛ میرزاد زارع، مهدی (۱۳۸۹). اثرات واگذاری (خصوصی‌سازی) بر کارایی (شرکت سهامی مخابرات استان گیلان). بررسی‌های بازرگانی، ۸(۴۰)، ۸۶-۹۷.
- پی‌لستر، جیمز؛ استورات جی‌آر، جوزف (۱۳۸۱). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی (ترجمه تورج مجتبی میکلایی، مجتبی طبری و سهیل خورشید)، تهران: انتشارات ساوالان، چاپ اول.

References

- Barro, R. (1991). Government Spending in a Simple Model of Endogenous Growth. *Journal of Political Economy*. 98. 103-125.
- Brooks, S. (1998). *Public Policy in Canada: An Introduction*, 3rd ed. Oxford University Press, Toronto.
- Dye, T. R. (2008). *Understanding Public Policy*. New Jersey: Pearson Prentice Hall.
- Gupta, N. (2001). Partial Privatization and Firm performance: Evidence from India. William Davidson Institute working paper, 426. 1-23.
- Kocenda, E., & Svejnar, J. (2002). The Effects of Ownership Forms and Concentration on Firm performance after Large Scale Privatization. William Davidson Institute working paper, 471, 1-36.
- Langbein, L. (2012). *Public Program Evaluation: A Statistical Guide*. Routledge; second edition.
- Lutfi, E. & Holcomb, R. G. (2005). The effects of Public Investment on Private Investment in Developing Economics. *Public Finance Review*, 33(5), 575-602.
- Megginson, W. L. (2005). *The financial economics of privatization*. Oxford University Press on Demand.
- Omran, M. (2004). Performance on sequences of Privatizing Egyptian state-owned enterprises: The effect of post Privatization Ownership Structure on firm performance. *Multinational Finance Journal*, 8(1 & 2), 73-114.

- Parsons, W. (2005). *Public Policy: An introduction to the theory and practice of policy analysis*. Edward Elgar.
- Sabatier, P. A. (1986). Top-Down and Bottom-Up Approaches to Implementation Research: A Critical Analysis and Suggested Synthesis. *Journal of Public Policy*, 6, 21-48.
- Sabatier, P. A., & Mazmanian, D. (1979). The Implementation of Public Policy: A Framework of Analysis. *Policy Studies Journal*, 8(4), 538-560.
- Sapru, R. K. (2010). *Public Policy Art and Craft of Policy Analysis*. PHI Learning Private Limited. New Delhi.

